

فلسفه عبادات و احکام الهی از منظر فاطمه زهرا علیها السلام

حجت الاسلام والمسلمین کاظم دلیری *

مقدمه

خطبه فدک، سخنرانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که ایشان پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غصب خلافت امام علی علیه السلام، در مسجد مدینه ایراد فرمود. هدف حضرت زهرا علیها السلام از ایراد این خطبه باز پس گرفتن «فدک» - هدیه و ارث پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان - بود، حضرت در خطبه فدک به تبیین بسیاری از حقایق و معارف ناب الهی پرداخت. این نوشتار به شرح فرازهایی از خطبه فدکیه^۱ حضرت زهرا علیها السلام می‌پردازد. موضوع این فرازها بیان فلسفه عبادات و اوامر و نواهی خداوند در دین مبین اسلام است.

ایمان

حضرت زهرا علیها السلام در تبیین علت واجبات الهی پیش از هر چیز سراغ ایمان به خدا می‌رود و می‌فرماید: «فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ؛ خداوند ایمان را برای پاک کردن شما از شرک واجب کرد». ذکر کردن ایمان در صدر واجبات الهی به دلیل اهمیت آن است؛ زیرا تا ایمان به خدا نباشد، اعمال دیگر انسان نیز در درگاه خدا پذیرفته نیست و او را به سعادت و نجات نمی‌رساند.

استفاده از تعبیر تطهیر (یعنی پاک کردن) نسبت به شرک به خدا، به سبب آن است که شرک، آلودگی و پلیدی روح و باطن انسان است و باید از آن اجتناب کرد؛ چنانکه در سوره مبارکه حج

* کارشناسی ارشد تربیت اخلاقی مؤسسه اخلاق و تربیت.

۱. این خطبه به خطبه فدکیه مشهور است و با قدری اختلاف در منابع متعدد شیعه و اهل سنت مانند «کتاب من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق، (ج ۳، ص ۵۶۸) «علل الشرایع» (ج ۱، ص ۲۴۸)؛ «السقیفة و فدک عبدالعزیز» جوهری (ص ۱۳۹)، «بلاغات النساء» ابن طیفور (ص ۲۸) و «دلایل الامامة» طبری (ص ۱۱۳) آمده است که ما متن دلایل الامامة را انتخاب کرده‌ایم.

می فرماید: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ»^۱ از پلیدی پرهیزید که از جمله آن بت هاست» و در سوره انعام نیز می فرماید: «كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»^۲ اینچنین خداوند پلیدی را قرار می دهد بر کسانی که ایمان نمی آورند». بنابراین هم چنانکه باید از پلیدی های ظاهری مثل سگ و خوک و خون اجتناب کرد، باید از پلیدی های باطنی نیز اجتناب کرد که در رأس آن ها شرک به خداوند است.

نماز

بعد از ایمان به خداوند، حضرت صدیقه علیها السلام از علت و جوب نماز یاد می کند؛ زیرا نماز مهم ترین وظیفه عملی دین است؛ هم چنانکه ایمان، مهم ترین وظیفه اعتقادی دین است و بر طبق روایات معتبر نخستین عملی که در قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد، نماز است.^۳ بانوی دو عالم می فرماید: «وَ الصَّلَاةُ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ؛ [خداوند] نماز را برای دور شدن شما از کبر واجب کرد». نماز اهداف و فواید متعددی مانند یاد خدا و دور شدن از فحشا و منکر دارد، ولی حضرت زهرا علیها السلام از میان آن ها به ذکر یک اثر بسنده می کند که همان دور شدن از تکبر است. کبر و تکبر، نوعی حالت خودپسندی است که در آن حال، فرد خود را بزرگ تر از دیگران می بیند. بزرگ ترین تکبر نیز، تکبر بر خداست به اینکه از پذیرش حق و اذعان به عبادت او خودداری کند؛^۴ زیرا در این حال انسان حتی خود را از خدا نیز بالاتر می پندارد و از ایمان به خدا و اطاعت او سرپیچی می کند.

پیوند نماز و ترک تکبر، شواهد قرآنی متعددی دارد؛ از جمله خداوند متعال در سوره مبارکه بقره می فرماید: «وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۵ و از صبر (روزه) و نماز کمک بجوید و به درستی که نماز کار سنگینی است جز بر فروتنان». خاشع در روایتی از ابن عباس به کسی تفسیر شده است که در نمازش در برابر خداوند اظهار ذلت می کند و با حضور قلب نماز می خواند.^۶ در سوره مبارکه قیامت نیز در توصیف انسان های متکبر و زیانکار

۱. حج: ۳۰.

۲. انعام: ۱۲۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۹۷.

۵. بقره: ۴۵.

۶. عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۱۱۵.

در روز قیامت می‌فرماید: «فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى * وَ لَكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى»^۱؛ نه تصدیق کرد و نه نماز خواند [یعنی در دنیا نه به خدا و دین حق ایمان آورد و نه عمل صالحی انجام داد که نماز اهم آن‌هاست] بلکه تکذیب کرد و روی گرداند، سپس متکبران به سوی خانواده‌اش رفت. در این آیات نیز رابطه معناداری میان ترک نماز و تکبرورزی پس از آن ترسیم شده است. پس اصل این مطلب در منابع دینی مسلم است که نماز سبب پاکی انسان از تکبر می‌شود و ترک نماز روحیه تکبر را در انسان می‌پروراند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا نماز چنین تأثیری دارد و چه رابطه‌ای میان نماز و ترک تکبر برقرار است؟

هر یک از حالت‌های نماز به نوعی با تکبر منافات دارد و تمرین عملی ترک تکبر است؛ برای مثال

- ایستادن در نماز با تکبر منافات دارد؛ چرا که تواضع انسان در حالت ایستاده بیش از حالت نشسته و تواضع انسان در حال نشسته بیش از حالت خوابیده است،

- نمازگزار در حالت تکبیره الاحرام که دست‌ها را بالا می‌آورد، شبیه کسی است که دستانش را به حالت تسلیم در برابر بزرگی بالا می‌آورد،

- در حالت رکوع نیز آنچنان در برابر خدا خم می‌شود که گویی خود را تسلیم هر نوع فرمان خدا کرده است و در این راه حتی از جدا شدن سرش در برابر او نیز ابایی ندارد،

- در حالت سجده نیز پیشانی‌اش را که بالاترین عضو اوست، به همراه اعضای دیگرش بر خاک می‌نهد که فروترین چیزهاست و با این کار نهایت خواری و خاکساری خود را در برابر خداوند به تصویر می‌کشد.^۲

البته این‌ها تنها بخشی از حالات تواضع‌آمیز نماز است و اجزا و شرایط و آداب دیگر نماز نیز هر یک به‌گونه‌ای تنظیم شده است که تمرین تواضع در برابر خداوند باشد. طبیعی است تکرار این حالات به تدریج حالت فروتنی و خشوع را در انسان می‌پروراند و دل او نیز در برابر خداوند خاضع می‌شود.

تأثیر نماز در اجتناب از کبر آنچنان محسوس و ملموس است که برخی از متکبران تنها به سبب حالت خاکساری در نماز از خواندن آن امتناع می‌کنند. برای مثال در منابع تاریخی آمده است

۱. قیامت: ۳۳-۳۱.

۲. ر.ک: عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۸۶-۸۷.

که وقتی قبیله ثقیف (اهل طائف) برای اسلام آوردن نزد رسول خدا ﷺ آمدند و معاهده‌ای با آن حضرت نوشتند، در ضمن معاهده دو خواسته از پیامبر ﷺ مطرح کردند. نخست اینکه بت لات تا سه سال دیگر نابود نشود که پیامبر ﷺ این شرط آنان را نپذیرفت و عده‌ای را برای انهدام آن فرستاد. خواسته دیگرشان این بود که آنان را از نماز خواندن معاف دارد. پیامبر ﷺ این شرطشان را نیز نپذیرفت و فرمود: «إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا صَلَاةَ فِيهِ؛ در دینی که نماز در آن نباشد، هیچ خیری نیست». آنان گفتند: «ای محمد! به این خواسته تو تن می‌دهیم؛ گرچه در آن پستی است». ^۱ مراد آنان از پستی، اظهار ذلت و خاکساری در برابر خدا بود و به روشنی درک می‌کردند که نماز با روحیه خودبرتربینی آنان سازگار نیست. در روایت مشابه دیگری آمده است که پیامبر ﷺ در پاسخ درخواست قبیله ثقیف برای حذف نماز از دینشان فرمود: «إِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا يَكُونُ فِيهِ رُكُوعٌ وَلَا سُجُودٌ؛ در دینی که در آن رکوع و سجود نیست، هیچ خیری نیست». در این نقل، نماز رکوع و سجود نامیده شده است که نشانه اهمیت رکوع و سجود در نماز و تأثیر آن در ایجاد تواضع در انسان است. ^۳

زکات

حضرت زهرا عليها السلام پس از بیان علت تشریح نماز در اسلام، علت تشریح زکات را بیان می‌دارد و می‌فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ و خداوند زکات را برای افزایش روزی واجب کرد». ذکر زکات بعد از نماز به دلیل اهمیت این فریضه در دین مبین اسلام است؛ هم‌چنانکه در کتاب خدا در موارد متعدد بلافاصله پس از ذکر اقامه نماز سخن از اعطای زکات آمده است؛ از این رو حضرت زهرا عليها السلام نیز به عنوان مفسر قرآن، پس از بیان علت وجوب نماز علت وجوب زکات را بیان می‌کند. نماز از شعائر عبادی و زکات، از احکام اقتصادی اسلام است و نشان می‌دهد که اسلام در کنار عبادت و اصلاح رابطه خاص انسان با خدا بر اصلاح اقتصادی و ایجاد عدالت و رفاه و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در جامعه اسلامی تأکید دارد. تأثیر پرداخت زکات در افزایش روزی در برخی روایات نیز آمده است؛ از جمله امام موسی

۱. ر.ک: علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول ﷺ، ج ۳، ص ۷۱.

۲. محمد بن علی کراجکی، الرسالة العلویة فی فضل أمير المؤمنين عليه السلام علی سائر البریة، ص ۱۳؛ محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۵۰۴.

۳. مبارک بن محمد ابن اثیر جرجزی، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۲۳۸.

کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَعَ الزَّكَاةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِكُمْ؛^۱ خداوند عزوجل زکات را برای قوت فقرا و افزایش اموالتان وضع کرده است». امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَا مِنْ رَجُلٍ أَدَّى الزَّكَاةَ فَتَنَقَّصَتْ مِنْ مَالِهِ وَلَا مَنَعَهَا أَحَدٌ فَزَادَتْ فِي مَالِهِ؛^۲ چنین نیست که اگر فردی زکات بدهد، مالش کم شود یا اگر کسی منع زکات کند، مالش زیاد شود». از سوی دیگر در روایات ما آمده است که منع زکات سبب کاهش مال و منع برکات زمین می‌شود؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «وَمَا مِنْ مَالٍ يُصَابُ إِلَّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ؛^۳ هر مالی که به آن آسیبی می‌رسد، به سبب ترک زکات است». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «إِذَا مَنَعْتَ الزَّكَاةَ مَنَعْتَ الْأَرْضَ بَرَكَاتِهَا؛^۴ هنگامی که از پرداخت زکات ممانعت شود، زمین نیز برکاتش را منع می‌کند». برکات زمین، مثل زراعت و میوه‌ها و انواع معادن است.^۵

روزه

چهارمین فریضه‌ای که حضرت زهرا علیها السلام بر آن دست می‌گذارد و هدف تشریح آن را بیان می‌کند، روزه است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «وَالصَّيَامُ إِثْبَاتٌ لِلْإِخْلَاصِ؛ خداوند روزه را برای اثبات اخلاص واجب کرد».

روزه، از فرائض اصلی اسلام است؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود: «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روزه، سپری است از آتش».^۶ از این رو حضرت زهرا علیها السلام نیز آن را در زمره نخستین واجبات ذکر کرده است.

شاید این سؤال مطرح شود که روزه و اخلاص چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند که در میان عبادات گوناگون، آزمون اخلاص به آن اختصاص داده شده است؟ علمای اسلام در پاسخ به این پرسش بیان‌های زیبایی دارند، برای مثال ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: «روزه، مایه امتحان اخلاص است؛ زیرا هیچ کس [حقیقتاً] از آن مطلع نمی‌شود و کسی جز بندگان مخلص خدا آن را به

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸.

۲. همان، ص ۵۰۴.

۳. همان، ص ۵۰۵.

۴. همان.

۵. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۶. همان، ج ۴، ص ۶۲.

صورت درست انجام نمی‌دهد».^۱ شاید مراد از صورتِ درست روزه، روزه گرفتن با همه آداب و شرایطش باشد که از جمله آن‌ها مراقبت از چشم و گوش و زبان و دل و اعضای دیگر است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ الصُّومُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي عَلَيْهِ؛^۲ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: روزه برای من است و من بر آن جزا می‌دهم». با اینکه همه عبادات برای خداست، ولی در این روایت تنها روزه به عنوان عبادت اختصاصی خداوند معرفی شده است و اجر آن نیز اختصاصی است. در تفسیر این روایت وجوهی گفته شده است که نخستین آن‌ها جنبه اخلاص در روزه است؛ زیرا فقط خداوند می‌داند چه کسی واقعاً روزه‌دار است.^۳ برخی دیگر تفسیر بهتری ذکر می‌کنند و می‌گویند:

همه انواع عباداتی که بندگان برای تقرب به خداوند انجام می‌دهند از نماز و حج و صدقه و اعتکاف و دعا و قربانی و جز آن، اموری هستند که مشرکان نیز همواره برای بت‌های دست‌سازشان انجام می‌داده‌اند و با آن‌ها به سوی بت‌ها تقرب می‌جسته‌اند، ولی هرگز شنیده نشده است که فرقه یا طایفه‌ای از مشرکان، با روزه به سوی بت‌ها تقرب بجویند و لذا خداوند فرموده است: روزه برای من است و من بر آن پاداش می‌دهم؛ یعنی احدی جز من در روزه شریک نیست و جز من با روزه عبادت نشده است. لذا من پاداشش را می‌دهم و خودم متولی آن هستم و حتی پاداش آن را به فرشته مقرب یا جز آن نیز واگذار نمی‌کنم.^۴ حقیقت این است که اعمال عبادی دیگر از قبیل شعائر ظاهری است که با اعمال نمادین نیز آمیخته است و ولی روزه هیچ‌گونه عمل نمادین ندارد و همه حقیقت آن پنهان است؛^۵ لذا در اعمال دیگر امکان ریا وجود دارد، ولی در روزه امکان ریا نیست.^۶

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۸۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۳؛ محمد بن علی صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۵.

۳. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۶.

۴. مبارک بن محمد ابن اثیر جرزی، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۲۷۰.

۵. ر.ک: ملا محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۲۶.

۶. محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی، شرح فروع الکافی، ج ۴، ص ۱۱.

حج

فریضه دیگری که حضرت زهرا علیها السلام از آن سخن می‌گوید، حج است. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «وَالْحَجَّ تَشْبِيحاً لِلدِّينِ؛ خداوند حج را برای تحکیم و ترفیع بنای دین واجب کرد». واژه تشبید در زبان عربی در مورد ساختمان‌سازی به کار می‌رود و به معنای تحکیم و بالا بردن (ساختمان) است. حضرت با بهره‌گیری از این واژه، دین را به بنایی تشبیه می‌کند که حج آن را تحکیم و تقویت می‌نماید و بنای آن را باشکوه و مجلل می‌سازد؛ زیرا حج مظهر وحدت اسلام و شکوه اسلام است؛ چنانکه نماز ستون دین است و با اقامه نماز پایه‌های دین مستحکم می‌شود، با حج نیز بنای روین دین استوار و مرتفع می‌شود. اینکه مسلمانان از اقصای نقاط جهان به سوی مکه می‌شتابند و در ایام خاص در آنجا جمع می‌شوند و هم‌شکل و هم‌نوا با یکدیگر ندای «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» سر می‌دهند و مناسک عبادی خاصی را انجام می‌دهند، شکوه و عظمت اسلام را به رخ جهانیان می‌کشند و سبب تقویت دین می‌شود. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی مسلمانان حج به جا می‌آوردند، مشرکان می‌گفتند: «اصحاب محمد [ص] فراوان و نیرومند هستند، و گر نه حج به جا نمی‌آوردند»؛ زیرا لشکر ضعیف از به جا آوردن حج از مکان دور عاجز است.^۱

پیروی از اهل بیت علیهم السلام

یکی از فرائض دیگری که حضرت زهرا علیها السلام در خطبه خود برمی‌شمارد، فریضه اطاعت از اهل بیت علیهم السلام است. تعبیر حضرت چنین است: «وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا لَمَّا لِلْفُرْقَةِ؛ خداوند اطاعت ما را مایه نظام دین و امامت ما را مایه جمع شدن از تفرقه قرار داد». در این عبارت شریف نیز حضرت زهرا علیها السلام اولاً بیان می‌کند که اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، فریضه الهی است؛ زیرا در قرآن کریم بعد از امر به اطاعت خدا و رسول صلی الله علیه و آله، به اطاعت از اولی الامر شده است^۲ و اولی الامر، کسی جز ائمه اهل بیت علیهم السلام نیست.^۳ ثانیاً فایده اطاعت از ائمه علیهم السلام، پیدایش نظم در دین و اتحاد امت اسلام است. امام همچون رشته تسبیحی است که دانه‌های تسبیح را جمع می‌کند و اگر نباشد، هر مهره‌ای به سویی پراکنده می‌شود. اگر از رهبران الهی پیروی نشود، بدون شک جامعه دچار تفرقه و تشتت خواهد شد. متأسفانه به

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۸۷.

۲. نساء: ۵۹.

۳. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۷.

سبب تمرد از ائمه علیهم السلام و سرپیچی از اوامر آنان و شکستن بیعت با ائمه علیهم السلام، امت اسلام از همان ابتدا دچار تفرقه و تشتت آرا شد و با گذشت زمان نیز این تفرقه و اختلاف در میان امت نه تنها کمتر نشد؛ بلکه بیشتر شد. بنابراین برای حفظ وحدت حقیقی اسلامی و حفظ نظام اسلامی، چاره‌ای جز روی آوردن به اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان نیست. حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه نیز بیش از ۱۵ مورد دیگر از فرایض الهی را برمی‌شمارد و علت تشریح آن‌ها را ذکر می‌کند که مجال شرح آن‌ها نیست.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۳. ابن‌طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، چاپ اول، قم: شریف رضی، بی‌تا.
۴. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۵. جوهری بصری، احمد بن عبد‌لعزیز، السقیفة و فدک، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، ۱۴۰۱ق.
۶. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، چاپ اول، تهران: مجمع‌احیاء الثقافة الإسلامية التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۱ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۸. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم: کتاب‌فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۹. _____ کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة

- البعثة، چاپ اول، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۳. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۱۴. کراجکی، محمد بن علی، الرسالة العلویة فی فضل أمير المؤمنين علیه السلام علی سائر البریة، چاپ اول، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ق.
۱۵. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، شرح فروع الکافی، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۶. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تحقیق: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.